

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن المان

خفتگان

ناگهان دیدم به دور میز گرد امتحان
زورگویی را ، به پهلوی (وثیق) مهربان
ظاهراً ، دانشور و ، هم فاضل و ، هم باخرد
رهنما و رهبر مرد و زن پیر و جوان
بر علوم دین و مذهب ، از همه بالاترین
فخر بفرود شد همیشه ، بر زمین و آسمان
طرز برخوردش ، بسان هیتلران جرمنی
(تیمور) و (چنگیز) ، انگشت حسادت بر دهان
با تعصب ، در پرش ، از شاخه ای بر شاخه ای
عاشق گفتار خود ، چون طوطی هندوستان
تند و تلخ و ترش سازد ، دایم از شهد و شکر
شمس وحدت را به ابر بغض میدارد نمان
آتش تفریق بس از لحن تندش شعله ور
سیل اشک از دیده توحید بر دامن روان
نقطه اندیشه اش ، تاریک چون دور حجر
گفته هایش ، لایق امروز نه ، بل آنزمان
لیک باشد پر وثاقت ، حرف محمود وثیق
با دلیل و حجت و برهان و ، با نرم زبان
حال دور وحدت و الفت نه بغض و نفرت است
دور صلح و آشتی ، با جمله اهل جهان
حال دور اشتعال آتش روشنگریست
حرق و خرق پرده ، از ریب و ریای این و آن
شیعه و سنی و هندو و مسیحی و یهود
در نهایت دوستی ، با یکدیگر چون جسم و جان
حال دور خدمت ممنوع ، نه همباورست
جان فداکردن به پای دوست ، حتی دشمنان
حال دور دانش و علم و هنر آموختن
دوره فهم و شعور و منطق عصر و زمان

چون خدا فرمود در قرآن پاکش اینچنین رب عالم هاست، نه تنها فقط از مسلمان همچنان فرموده فرقی نیست بین مرسلین هرکه فرقی می نهد ، باشد ز جمع گمراهان گر دو سه چار دگر بودی ، به مانند (وثیق) خار ها گل میشد و میهن ، بهشت جاودان جاهلان از خرمنش ، ناکشته ها دارند درو مردم بیچاره را غولند ، همچو کودکان حیف این سربسته ها ، دایم به فکر جیب خود فیل را بی نقطه می قیلند ، با چرب زبان این عزازیلان دوراند چون شمر و یزید تیر حق را معنی و تفسیر بنمایند کمان آخر این بازیگران فلم تقلید پلید صحنه سازی تابکی چون گرگ، در رول شبان این تجارت پیشه ها ، نه شرم دارند نه حیا دین و مذهب را به خود سرمایه کردند و دکان ای خدا! این خفتگانرا ، لحظه ای ، بیدار کن تا به خود آیند ، از جهلی که می سوزد روان این جفا کیشان ، بیاموزند باید از وثیق جوهر معنا و ، تفسیر کلام جاودان حال ، لازم یک دو بیت ، از رهروان راه حق در بیان اشتعال ، نار عشق علم شان « ایه القوم الذی ، فی المدرسه کما حصلت موه و سوسه فکرگم ان کان ، فی ذکر الحیب مالکم ، فی الجنة العلیا نصیب علم رسمی ، سر بسر قیل است و قال نه ازان ، کیفیتی حاصل ، نه حال علم نبود ، غیر علم عاشقی مابقی ، تلبیس ابلیس شقی » این حقایق ، جاری از طبع روان «نعمت» است زانکه نبود هیچ کس را جرأت شرح و بیان